

## خلق های جهان

### برای برانداختن تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها

### متحد شوید

اظهاریه مائوتسه دون - ۲۰ مه ۱۹۷۰

خارجی است، با کشوری در بحبوحه آشفتنی روبرو است و در دنیا منفرد شده است. جنبش توده های اعتراضی بر تجاوز امریکایی کاسوج در سراسر جهان برانگیخته میشود. دولت پادشاهی اتحادملی کاسوج در مدت کوتاهی روز پس از تشکیل از طرف تقریباً بیست کشور برسمیت شناخته شده است. جنگ مقاومت خلق های ویتنام، لائوس و کامبوج در برابر تجاوز امریکا و بخاطر رهائی ملی هر روز وضع بهتری پیدا میکند. مبارزه مسلحانه انقلابی خلق های جنوب شرقی آسیا، مبارزه خلق های کره، ژاپن و سایر ممالک آسیا برضد احیای میلیتاریسم ژاپن که بدست مرتجعان امریکائی و ژاپنی تدارک میشود، مبارزه خلق فلسطین و سایر خلق های عرب برضد تجاوزکاران امریکائی - اسرائیلی، مبارزه خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در راه رهائی ملی و همچنین مبارزه انقلابی خلق های امریکای شمالی، اروپا و اوقیانوسیه با جوش و خروش گسترش می یابد. خلق چین از خلق های سه گانه هندوچین و سایر خلق های جهان در مبارزه انقلابی آنان برضد امریکالیسم امریکا و چاکرانش مصمانه پشتیبانی میکند. امریکالیسم امریکا قیافه غول دارد ولی در واقع چیز دیگری جز برب کافدی نیست و نمیدانند در تلاش است. در جهان امروز در واقع چه کسی از چه کسی می ترسد؟ این خلق های ویتنام، لائوس، کامبوج، فلسطین، سایر کشورهای عربی و خلق های دیگر نیستند که از امریکالیسم امریکا می ترسند. این امریکالیسم امریکا است که از خلق های جهان می ترسد و از گسترش حرکت به سرا - سیکی می افتد. شواهد بی شماری است که هدف عادلانه پیوسته از پشتیبانی وسیع برخوردار میگرد و حال آنکه پشتیبانی هدف عالمانه است که کشور تاوان بر کشوری نیرومند میباید غالب آید و کشوری کوچک بر کشوری بزرگ.

**خلق کشوری کوچک اگر همت بمبارزه بکاردار، اگر** به اسلحه دست یابد و سرزنش کشور خویش را بدست گیرد بیکمان بر تجاوز کشوری بزرگ پیروز خواهد شد. این قانون تاریخ است. خلق های جهان برای برانداختن تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها متحد شوید!

امروز اوج جدیدی از مبارزه برضد امریکالیسم امریکا در سراسر جهان برپاست. پس از جنگ جهانی دوم امریکالیسم امریکا و آنها که بدنبال وی روانند هیچگاه از قدرت به جنگ های تجاوزکارانه باز نایستاده اند و خلق های برای اینکه تجاوزکاران را - برجای خود بنشانند همواره بجنگ انقلابی دست زده اند. خطر جنگ جهانی جدید همچنان باقی است و خلق های گیتی باید برای آن آماده باشند. ولی گرایش عمده در جهان امروز بانقلاب است.

تجاوزکاران امریکائی که از غلبه در جنگ ویتنام لائوس عاجز مانده اند کودتای ارتجاعی در ویتنام لائوس - سون - یوک مانساک را برپا کردند، بیشرمانه به کامبوج فرستادند و مبارز ویتنام شمالی را از سر گرفتند، و این امر مقاومت خشم آگین خلق های هندوچین را برانگیخت. من از روحیه بیگانه رجوعی - ساندک نوردم - سیانوک، رئیس دولت کامبوج، بر علیه امریکالیسم امریکا و چاکران وی مجدانه پشتیبانی میکنم. من از اعلامیه مشترک کفرانس سران خلق های هندوچین مجدانه پشتیبانی میکنم. من از تشکیل دولت پادشاهی اتحادملی که زیر رهبری جبهه واحدملی کامبوج قرار دارد مجدانه پشتیبانی میکنم. خلق های سه گانه هندوچین با تحکیم وحدت خویش، با پشتیبانی و کمک متقابل یکدیگر با پایداری در جنگ توده ای طولانی خواهند توانست بر همه دشواری ها غلبه کنند و پیروزی کامل بدست آورند.

امریکالیسم امریکا در عین حال که در خارج بکنشمار دست میزند در داخل کشور خویش بکنشمار سپیدان و سیاهان مشغول است. اقدامات قهرآمیز فاشیستی نیکسون شعله های سوزان نهضت انقلابی توده ها را در امریکا برانگیخته است. خلق چین از مبارزه انقلابی خلق امریکا مصمانه پشتیبانی میکند. خلق امریکا که در مبارزه دلیرانه پیروز خواهد شد و سلطه فاشیستی در امریکا به ننگی ناکزیر دچار خواهد آمد. چنین است اعتقاد من.

دولت نیکسون دستخوش دشواری های فراوان داخلی

## اعلامیه دربارهٔ دسیسهٔ یم کودتا

در این اواخر رژیم پادشاهی به صحنه سازی دست زد و با استفاده از ضعف بحیثیت این و آن و نیز انوسل به سند سازی در اثبات تاثیر انضبات اصلاحات در عین خود فتوا جمع میکند. این شیوه کار حکومت کودتا امروزی نیست. شاه و دربار گردانان دیگر امریکالیسم در ایران بزودی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از خود اوند کاران خویش انهام گرفتند که همیشه باید عوام فریبی را با حیوس و تشکجه و اعدا انجام بکار برند. در سال های بلافاصله پس از کودتا بمنظور درهم شکستن روحیه ها، از عده های از کفرانان حکومت نظامی و سازمان است برورش تشکجه های در شانیه "تفرنامه" میکرفند و شتی از خائنانه به خلق را به نوشتن و انتشار مجله "محرط" واداشته بودند.

اینک حکومت کودتا شیوه "واج" "تفرنامه" و انتشار "محرط" را از سر گرفته است. چرا؟ زیرا که گلوله های زهر آگین محمد رضا شاه و نیز گلوله های شکرآلود و کسه بصورت "اصلاحات" بر خلق زخم کثرت بران باریده حرکت نتوانسته است تن های برهنه و شکم های گرسنه چشم های هوشیار و دست های کوشا را از احساس و اندیشه و عقل باز دارد. محمد رضا شاه نهمین بار است که حشم و نفری را که از سراسر ایران شکر تخت و تاج اوست حش میکند و میخواهد آبی بر آن بپاشد. محمد رضا شاه آگاهی روز افزون خلق ایران نفوذ را من کستر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون و تلاش سرخسار مارکسیست - لنینیست را در احیای حزب عیبه کار کرد بر علیه ایران می بیند و میخواهد گمراهی ایجاد کند، تفرقه بیفکند، شبهه و بدگمانی در میان مبارزان برانگیزد.

کتاب "انقلاب سفید" شاه را بگورگان دبستانی مای - خوانند و روزنامه های مزدور سازمان امنیت در جعل اخبار و مدح "انقلاب دوازده گانه" را در وقاحت میدهند، هر سال بناسبت صحنه سازی روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ چراغانی می کنند صفحات جرائد را با تانگراهای تیریک و سیا سکاری میوشانند و حتی کمیای های خارجی نیز بوضع مضحکی در این تلکراف بازی شرکت میکنند. امریکالیسم های امریکائی و رویزیونیست های شوروی هیچ فرصتی را در ستایش شاه و اصلاحاتش از دست نمی دهند. . . . و معدنك امروز محمد رضا شاه مجبور است که خائنی بپاید و از او نام "مرجع کمونیستی" برای تشریح رژیم خود فتوا بخورد. این اقدام در درجه اول نشانه ضعف رژیم است. نشانه آنست که دیوار شکسته حکومت کودتا فروریختنی است.

اما این "مرجع کمونیستی" برای محمد رضا شاه چه کشف کرده است؟

کشف کرده است که صنایع ایران با سرمایه داخلی میکردند نه با سرمایه خارجی.

این دروغ و سواد روزگاری گفته میشود که مطبوعات ایران هر روز از نفوذ تازه سرمایه خارجی خبر میدهند. هیچ رشته مهم اقتصادی در ایران نیست که بقیه در صفحه ۳

## پنججاه سالگی حزب کمونیست ایران

گردید. اما بیژنیانید که حکومت رضاخان با یورش سیمانه به حیات حزب کمونیست پایان بخشید. قانون سیاه ۱۳۱۰ هر گونه فعالیت کمونیستی را در ایران ممنوع کرد و این قانون هم اکنون نیز بقوت خود باقی است.

علی رغم قانون سیاه سازمان سیاسی طبقه کارگر با در بگرم صورت گروه دگر ترقی ارانی سر بلند کرد و در شرایط پنهان کاری شدیده تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم پرداخت تشکیلات تازه ای را پایه گذاری کرد. این گروه نیز پس از اندک مدتی همدم دست شهربانی مختاری گرفتار آمدند و دگر ترقی رهبر عالی قدر جنبش کمونیستی ایران در زندان رضاخان بدست در زخمیان شهیدان بقتل رسید.

در شهریور ۱۳۲۰ با ورود ارتشهای متفقین به ایران و فرار رضاخان دوباره زمینه برای احیای حزب طبقه کارگر ایران فراهم آمد و حزب توده ایران تأسیس گردید. حزب توده ایران ادامه دهنده کار حزب کمونیست ایران و گروه ارانی بود. فعالیت حزب توده ایران در مبارزه با امریکالیسم و فتورالیسم، در تشکک ساختن توده های کارگران، دهقانان، روشنفکران، جوانان و زنان و کشاندن آنها بمبارزه برای احقاق حقوق خویش در ریسرد با استبداد و دفاع از آزادیهای دموکراتیک، در اشاعه مارکسیسم - لنینیسم، تشریح دامنه دار توکسترده تراز گذشته بود. مبارزه همجانبه حزینتوده ایران روحیه مبارزه جوئی را در کارگران، دهقانان و روشنفکران و سطح آگاهی سیاسی و تشکک سازمانی توده های زحمتکش را بدرجه

عزت و تپهای آکسیر به پروتار یای سراسر جهان و از آنجمله به رنجبران کشورهای خاور زمین خبر داد که دوران مبارزه مسو - فقیت آمیز آنان بخاطر رهائی از اسارت ملی و اجتماع آفازید گرفته است. خبر داد که دوران جدیدی در تاریخ کشور شده که در آن فقط طبقه کارگر میتواند توده های رنجبران را از قید هر گونه اسارت و هرگونه ستم آزاد سازد. از همان موقع در ده ای از کشورهای شرق و از آنجمله در کشور ما ایران حزب سیاسی طبقه کارگر بنیاد گذاشته شد. حزب طبقه کارگر ایران اکنون پنججاه سال است که به اسامی گوناگون در زیر کاپو و حشفتنک رژیم استبدادی که هیچگاه دست از سر بر نداشت به نبرد خود ادامه می دهد.

درست در پنججاه سال پیش در خرداد ۱۲۹۹ (ژوئن ۲۲-۲۵) در کنگره انزلی حزب کمونیست ایران تأسیس گردید که نقطه آن در انقلاب مشروطیت ایران بسته شد و حزب عدالت پایه گذار آن بود. حزب کمونیست ایران طبقه کارگر را تشکک ساخت و برای احقاق حقوق بی بیارزه کشانید، سازمانهای حزبی در سراسر کشور ایجاد کرد، به تبلیغ آیدئولوژی طبقه کارگر پرداخت و بیش از ده سال به شیوه های گوناگون و از آنجمله مبارزه مسلح علیه امریکالیسم و ارتجاع جنگید. بدیهی است حزبی جوان و نوجاسته که در شرایط بحرانی پس از انقلاب اکبر میوزمید نمیتوانست در خطا و اشتباه مصون ماند.

در کنگره دوم بنام کنگره ارومیه (۱۳۰۶) حزب اشتباهات و انحرافات خود را اصلاح کرد و با نیروی بیشتری وارد صحنه مبارزه

فقط آن روز که کارگر و دهقان هندی، چینی، سوره ای، ژاپنی، ایرانی، ترک دست در دست یکدیگر بکشد و در راه هدف مشترک رهائی خویش بره پیش روند پیروزی قطعی بر استعمارگران ناممکن خواهد شد. زنده باد آسیای آزاد.

لنین در مه ۱۹۲۰

## زنده باد آسیای آزاد

فقط آن روز که کارگر و دهقان هندی، چینی، سوره ای، ژاپنی، ایرانی، ترک دست در دست یکدیگر بکشد و در راه هدف مشترک رهائی خویش بره پیش روند پیروزی قطعی بر استعمارگران ناممکن خواهد شد. زنده باد آسیای آزاد.

لنین در مه ۱۹۲۰

## درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی



# درباره طرح مسئله ملی

کشور ایران کنونی است چند ملتی. و در کنار تضادهای  
 - تضاد نژاد و نژادها، تضاد بازرگانان با زمین فئودالی، تضاد کارگر-  
 - بورژوازی، تضاد کارگران با دهقانان، تضاد اجتماعی زن با  
 - مرد، مسیره... تضاد میان ملت های مختلف ایران نیز وجود دارد  
 که صورت سن ملی نضاهر میکند. انقلاب ایران در مراحل مختلف  
 خود حل گشته، این مسائل نائل خواهد آمد. ولی حل هیچیک از این  
 مسائل - و از جمله مسئله ملی - بدون غلبه بر امپریالیسم و هیئت  
 حاکمه دست نشانده آن میسر نخواهد بود. و غلبه بر امپریا-  
 لیسم و هیئت حاکمه دست نشانده آن کار همه ملت های کشور است  
 که - اتحاد کامل نوده ها تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر سر-  
 بر- عمل کنند. وقتی که ما از انقلاب ملی و دموکراتیک سخن می  
 گوئیم منظورمان از "ملی" بودن انقلاب جنبه ضد امپریالیستی  
 آن است نه وابستگی آن باین یا آن ملت ایران. فقط پیروزی  
 اتحاد ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر میتواند امکان حل  
 این مسئله از تضادها و از جمله تضاد ملی را - بر اساس حقیقت  
 - تعیین سرنوشت خود - فراهم آورد.

پیرو مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک باید خط مرزی را  
 بر همه ملت های ایران از یک سو و امپریالیسم و هیئت  
 حاکمه از سوی دیگر رسم کرد. آن مسئله مهمی که در مارکسیسم  
 - لنینیسم بعنوان "مسئله ملی و مستعمراتی" مطرح میگردد به  
 عمیر طریق بر واقعیت ایران منطبق میشود. مسئله ملی و  
 مستعمراتی مسئله داخلی کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای  
 لاتین نیست بلکه مسئله ارتباط آنها با امپریالیسم جهانی است.  
 استالین در مصاحبه با نخستین هیئت نمایندگان کارگرا  
 ایران در آنجا که نوآوری های لنینیسم را بر می شمارد، در مورد  
 مسئله ملی و مستعمراتی چنین میگوید:

الفد لنین نظریات مارکس و انگلس را "در یک سیستم  
 موروثی مشتمل بر نظریات مربوط به انقلاب های ملی و مستعمراتی  
 - عصر امپریالیسم جمع کرد. مسئله ملی و مستعمراتی را  
با مسئله واژگون کردن امپریالیسم مرتبط ساخت. ج - مسئله  
ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله عمومی انقلاب جهانی پرو  
تاریخی اعلام نمود.

و در اصول لنینیسم میگوید:

با پیدایش لنینیسم "مسئله ملی از صورت مسئله خصی  
 و - حسی دولت ها بصورت مسئله های همگانی و بین المللی،  
 صورت مسئله های جهانی مربوط به خلق های ستمکش کشورها  
 بافته و مستعمره از یوغ امپریالیسم درآمد."

نخین در کنگره دوم انترناسیونال کمونیستی توضیح داد  
 که مشترین مضمون تظاهراتی که درباره مسئله ملی و مستعمراتی  
 بگردد (و تصویب رسید) عبارت بود از "فرق گذاشتن میان خلق های ستمکش و خلق های ستمکش". آنگاه  
 سن در تفکیک خلق های ستمکش از خلق های ستمکش چنین گفت:  
 "صفت مشخصه امپریالیسم در اینست که تمام جهان...  
 در دست حاکم تقسیم شده است به عده کثیری خلق های ستمکش  
 و عده بسیار قبلی خلق های ستمکش که ثروت های هنگفت و نیروی جنگو  
 عظیمی در اختیار دارند. اگر بنگریم... با خلق های ستمکش  
 است که یاد روایتی مستقیم مستعمراتی بسر میبرند و یا ما-  
 ملت همه مستعمره ای هستند مانند ایران، ترکیه، چین، ویا بوسنیله  
 یک دولت بزرگ امپریالیستی مغلوب شده و از طریق قراردادها  
 صحت و وابستگی شدید آن دولت درآمد هاند."

باین طریق طرح مسئله از طرف لنین روشن است. لنین  
 مسئله ملی را بر اساس تحلیل اقتصادی و سیاسی امپریالیسم  
 صورت یکی از مظاهر ستم امپریالیستی، بصورت مسئله های جهانی  
 و ضد امپریالیستی مطرح میکند. مهمترین مضمون تظاهراتی  
 عاریت از تفکیک خلق های ستمکش امپریالیستی از خلق های  
 ستمکش ضد امپریالیستی. لنین، ایران چند ملتی و ترکیه چند ملتی  
 چینی چند ملتی را - در مسئله ملی - یکجا در برابر امپریالیسم  
 می گذارد.

مناقشه بعضی ها در طرح مسئله ملی این مهمترین  
 مضمون تظاهراتی را فراموش میکنند، رابطه مسئله ملی را با  
 امپریالیسم از نظری اندازند و مسئله ملی را از مسئله ای جدا  
 در نظر بگیرند. در این صورت تضاد ملی با تضادهای درونی ملت های

یادآوری تاریخی... بعضی صحنه را حاشین استثمار سرمایه  
 های امپریالیستی نماید. چیزی که در دریای کونی از محال است.  
 است. - بین ترتیب ادعای "جنبه ملی" جنبی بر اینکه میتواند  
 صین و مدافع این نمایان تضادها باشد ادعائی باطل است.  
 "جنبه ملی" تنها ماهیت طبقاتی خود را میبوشاند  
 بلکه بر اساس سیاسی خود را نیز در پشت شعار "راه ما راه  
 مصدق است" پنهان میدارد. بدون شك آقای دکتر مصدق  
 بعزت ای که عصبه امپریالیسم انگلستان بمبارزه، ترحمشی دست  
 زد و به امپریالیسم امریکایی تسلیم نشد مورد احترام همگان  
 است. ما هیچکس بدینستی تعید اند راه مصدق چگونه راهی  
 است. - هرمان جنبه ملی هم که مقالات عقل در مدح و ستای  
 دکتر مصدق مینگارند نه تنها تاکنون راه مصدق را بطور مشخص  
 نشان نداده اند. بکه نظریاتی ابراز میدارند که در تضاد با  
 افکار و عقاید دکتر مصدق است. در تیز "جنبه ملی" منظور از  
 "حکومت ملی" ماهیت این حکومت را به آن در ورزهای آن،  
 هیچکس روشن نیست، جنبه ملی هیچگاه در پیروشن ساختن  
 آن نبود. - در واقع "جنبه ملی" از اعتبار بقوه دکتر مصدق  
 پرچی - برداشته گرد آن فرا میخواند. هدف وی این  
 است که - سو استفاده از واژه "جنبه ملی" کارگزاران را  
 از سار - سیاسی خود محروم سازد. از سار مستقل باز دارد  
 و از تحقیر آرزوهای بی جنوکید. اما حسن چیزی فقط در عالم  
 خیال میباشد. بنحوق میبوند. طبقه کارگر ایران پنجده سال  
 است که در حرب سیاسی خود را تشکیل داده است، مبارزه بی ضرب  
 این مدت او را پیش از هر صده دیگری آموخته، آید پده آگاه و  
 متشکل - حاکم است. آرزوهای او، مبارزه او در جهت حرکت و  
 تکامل جامعه انسانی است بهمین جهت سازمان سیاسی طبقه  
 کارگر تری نمی بیند ماهیت طبقاتی خود را میبوشاند. برعکس  
 - مان مارکسیستی - لنینیستی توفان سازمان سیم  
 طبقه کارگر ایران است، سازمانی مجهز به مارکسیسم - لنینیسم  
 و اندیشه مائوسه دون. مارکسیسم - لنینیسم علم به قوانین عینی  
 تکامل طبیعت و تکامل جامعه است. این دانش مانند هر دانش  
 دیگری یک نقشه متوجه نمیداند و پیوسته در انطباق با پراتیک  
 انقلابی رشد مییابد. اندیشه مائوسه دون همان مارکسیسم -  
 لنینیسم است که با احکام و قوانین تازه تکامل و ثنای پیشتری  
 یافته است.

ایران نمی میدهند. بالنتیجه آنها جنبه انقلابی مسئله ملی  
 جنبه - امپریالیستی - را از آن سلب میکنند و آن را در  
 چهارچوب - سده و سست بورژوازی های ملل مختلف ایران با یکدیگر  
 محدود میسازند. بنظر آنها گویا چنین امکانی وجود دارد که  
 تسلط امپریالیسم بر ایران همچنان برقرار باشد، هیئت حاکمه  
 کونی در دست قدرت بماند و معذک متی از ملت های اقلیت  
 ایران حق تعیین سرنوشت خویش را بیابد. بدیهی است که  
 چنین صریحی رفرمیستی است، در واقعیت و طبیعت امپریا-  
 لیسم جهانی و رژیم دست نشانده آن است. در جهان کونی  
 ما، در برابر امپریالیسم، حق تعیین سرنوشت فقط در اثر غلبه  
 بر امپریالیسم و رژیم دست نشانده آنست خواهد آمد و چنین  
 غلبه ای مقصد راتر بیکار متحد و طولانی همه ملت های کشورهای  
 حاصل خواهد شد. هرگونه تفکیک قوای این ملت ها، هرگونه  
 تجزیه - سازمان های نوده ای آنها، هرگونه اختلال در حزب  
 واحد صفت کارگر آنها بزبان مبارزه ملی و ضد امپریالیستی  
 بسود استعمار خواهد بود و حل مسائل مختلف جامعه کونی  
 ما و از جمله حل مسئله ملی ملت های مختلف ایران را بتأخیر  
 خواهد - اذت.

بعضی محافظ لنینیستی و فاشیستی ایران را که در صد  
 نفر اختادات ملی و انکار ستم ملی در ایران اند نظری باطل  
 پوشیده به ضد انقلابی می شماریم و معتقدیم که پیروزی انقلاب  
 ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر باید زمینه حل مسئله  
 ملی درونی ایران را بر اساس حق ملت های ایران در تعیین  
 سرنوشت خویش فراهم کند. و خواهد کرد. ولی همچنانکه  
 لنین میسازد ما مسئله ملی و مستعمراتی را جزئی از مسئله  
 عمومی انقلاب جهانی پرتاریخی میدانیم و در انقلاب ایران خط  
 مرزی را بین ملت های ایران از یک سو و امپریالیسم و هیئت  
 حاکمه دست نشانده آن از سوی دیگر رسم میکنیم نه در میان  
 ملت های مختلف ایران.

ما از اینکه در مبارزه انقلابی خود از دانش پرولتاریا و از  
 قوانین آن مدد میگیریم خود را سربلند احساس میکنیم. ما  
 هیچگاه پنهان ندانسته ایم که از بزرگان دانش پرولتاریا مایه  
 گرفته ایم و میگیریم. اصولاً دانستن و بکار بستن قوانین علوم  
 مختلف مثلا فوایر مکانیک نیوتن یا قوانین نسبیت انشتین یا  
 پیروی از تئوری - ابروین و غیره در خود نگاهش نیست. شکستناک  
 که "مایه گرفتن از بزرگان علم و دانش جهان بورژوازی را مایه  
 جاهات میدانند. برآنند که مایه گرفتن از دانش پرولتاریا  
 پنهان داشتن "بیماکی" خویش است. اگر پیروی از قوانین  
 این یا آن علم و بکار بستن آنها در عمل پنهان داشتن "بیماکی"  
 خود در زیر سر بزرگان آن علم نیست پیروی از "بیگانگی"  
 نیست چرک رتبه پرستان "ایران آزاد" پیروی از دانش  
 مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون و بکار بستن آن در  
 مبارزه انقلابی صریحاً میباشند "بیماکی" خود "باسپر لنین  
 مائوسه دون و - بکار بستن جهان" است؟ بدیهی است صحتاً  
 استوار کرد و ستم نمیدانند و نمیتوانند مارکسیسم - لنینیسم  
 اندیشه مائوسه دون را به غنیمت بزنند. این علم انعکاس دهنده و  
 پیش بینی کننده، برگ و نابودی آنهاست. باید ادعان کرد  
 که نویسندگان "ایران آزاد" نیز چنین دیدی به دانش مارکسیسم  
 می نگردند.

بیهوده است که آنها از "راه ایرانی انقلاب" سخن  
 میگویند که گوی "با استفاده از همه تجربیات انقلابی خلق -  
 های دیگر - خود - به نفع آن مشمولند. ما از هم اکنون به  
 این انقلابیون مستجوگر و متعصب هشدار میدهم که نه راه  
 مصدق راه رهائی خلق ایران از فقر و سیه روزی و عقب ماندگی  
 است و نه راهی نام "راه ایرانی انقلاب" میتواند وجود داشته  
 باشد. راه انقلاب ایران راه اکبر است، راه انقلاب چین است،  
 راه انقلاب آلبانی است، راه انقلاب ویتنام است، راهی است که  
 مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوسه دون به پرولتاریای جهان  
 و از آنجمله صده کارگر ایران نشان داده اند. ما راه این بزرگان  
 را می پوشیم باز - بنده های آنان مدد میگیریم از قوانین علمی  
 که آنها کشف کرده اند برای پیروزی انقلاب ایران استفاده میکنیم  
 برای رهائی ملی و اجتماعی خلق زحمتکش چین، ما جز این راهی نیست  
 هر راه دیگری به - دست و بیراه خواهد افتاد.

"سازمان جنبه ملی ایران (بخش اروپا)" آنگونه که  
 تا امروز از توتسه های "ایران آزاد" بر میآید سازمانی است  
 که علیه امپریالیسم و نوکران ایرانیش مبارزه میکند. انکار این امر  
 در حکم نفی واقعیت است. اما رهبران "جنبه ملی" هیچ سازگاری  
 دیگری را جز خود - برسمیت نمی شناسند و برآنند که همه خلق  
 ایران به هر طریقی و روشی که تعلق داشته باشند باید در "جنبه  
 ملی" گرد آیند و زیر رهبری وی به نبرد بپردازند. هر سازمانی  
 که به این صورت تن نه هدایترا بیاد تهمت و ناسازگاری کند  
 و عجب آنکه ناسرکوتی خود را بحساب دیگران میگذارد. آنها  
 با این شیوه خود - موانعی میآفرینند بر سر راه مبارزه مشترک  
 و وحدت عمل گنیه نیروهائی که واقعا علیه رژیم می رزمند.  
 این شیوه در تیز - سها تاریکی ندارد و انعکاسی از طرز تفکر نادرست  
 آنها و ناشی از عدم توجه بواقعیات و غوطه خوردن در بندارنگا  
 واهی است، چیزی که نمیتواند بکار مبارزه خلق زبان نرساند.  
 ما بر آنیم که همکاری مشترک سازمانهایی که واقعا علیه  
 امپریالیسم شاه - ضیت حاکمه ایران در نبرد اند، در هر زمینه ای  
 که امکان آن پیدا شود (و چنین امکاناتی کم نیست) مبارزه را  
 مؤثرتر و شریکتر خواهد ساخت. آیا "جنبه ملی" سرانجام  
 به این حقیقت که از واقعیت برمیخیزد توجه لازم میدول خواهد  
 داشت؟ این چیزی است که آینده نشان خواهد داد، چیزی  
 است که مبارزان واقعی انقلاب ایران خواستار آنند.

## تصحیح

خواهش میکنیم در شماره ۲۳ ماهنامه توفان در صفحه ۲  
 ستون ۲ بند پنجم را اینطور تصحیح بفرمائید:  
 "بزودی سایندهگان جمهوری دموکراتیک ویتنام، دولت  
 موقت جمهوری ویتنام جنوبی و جنبه میهن پرستانه" لائوس برای  
 ایجاد وحدت نظر - زینبر با امپریالیسم و دفاع از خلق کامیون کفتر  
 تاریخی تشکیل دادند."

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتاری است



# واقعیات و تبلیغات

روزنامه‌های اطلاعات و کیهان با خط درشت مزه در اندک  
 که "ایران به آلمان لباس صادر میکند"  
 بی دروغی شرح خبره مشک کوچک و ناچیزی را متذکر  
 شده است: "فعلاً مشک اساسی صدور لباس نیست که کارگاههای  
 دوخت لباس ماشینی نیستند و به علت بالا رفتن هزینه تولید،  
 قیمت سایر کتان تمام میشود."  
 بر این قیاس ممکن است در روزنامه‌های ایران اخبار دیگر  
 نیز حواسم از این قبیل: "ایران به آمریکا راکت صادر میکند"  
 "معدن مشک اساسی صدور راکت نیست که ایران کارخانه  
 ساخت آن را در اختیار ندارد."  
 و چنین است نمونه واقعیات و تبلیغات کشور آریامهر!

پنججاه - سی... بیفاز صفحه ۱ سیاستهای ارتقا دار  
 حزب توده ایران با مبارزات بی کبر و خشم و کینه امیر-  
 بالیس و ارتجاع را برانگیخت و بهین جهت در دوران حیات  
 خود عجبگاه از همه و هجوم آنان در امان نماند. کودتای سوم  
 مرداد ۱۳۳۲ که امیر بالیس و یارانش را بر سر اسرایران مسلط  
 ساخت. سازمانهای حزب توده ایران را که در پهنانگاری  
 قیام میکرد با توسل به فشار و شکنجه‌های غیر انسانی زندان  
 و اعدام شدنی کرده‌های از رهبران و کادرهای حزب نیز  
 مجبور به مهاجرت گردیدند.

مهاجرت، حزب توده ایران پایبای حزب کمونیست  
 اتحاد - سوری بی رویزی و ایورتونیسیم کرائید و به اید-  
 ثونوزی و آرمانهای طبقه کارگر ایران پشت کرد.  
 عدای از سازمانها و اعضا انقلابی حزب که به مارکسیسم  
 لنینیسم وفادار ماندند و سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
 گرد آمدند و هم اکنون در شخصیت این سازمان، سازمان سیاسی  
 طبقه کارگر ایران ادامه مییابد. سازمان توفان بوارث سنتهای  
 انقلابی حزب کمونیست ایران، گروه ارانی و حزب توده ایران است.  
 حزب طبقه کارگر ایران در طول پنجاه سال حیات و  
 مبارزه خود، حوادث غم انگیز و مشکلات بسیاری را از سر  
 گذراند است. بارها مورد دستبرد امپریالیسم و ارتجاع قرار  
 گرفت. سر حمانه سرکوب شده. سازمانهایش تلافی گردید. و  
 رهبران و یارانش را شکنجه و مرگ گرفتار آمدند. ولی هر بار  
 کاز بی اوفزاده دوباره پرتوان تر و نیرومند تر برخاسته و  
 همیشه به نبرد ادامه داده است.

حزب طبقه کارگر ایران در طول پنجاه سال زندگی خود  
 همیشه در جانب راست و اخیراً از جانب گروه‌ها، عناصر چپ  
 مورد حمله و هجوم قرار گرفته و اتهامات ناروا و دشنام و تاسزا  
 شنیده است. ولی هیچ نیرویی هیچ اتهام و تاسزائی قادر  
 نیست در حشندگی حیات حزب طبقه کارگر ایران را بپوشاند و  
 خدشگری آنرا خنق ایران در زیر پرده کذارد.  
 بدین رویکرد حزب طبقه کارگر ایران!

ان و خائنان دشوار تر و شناخت آنها آسان تر خواهد شد.  
 تاریخ نشان داده است که بالاخره نشینات دشمنان خلق در  
 خواهد شکست، سازمان مارکسیست لنینیست ها و جبهه خلق  
 روز بروز نیرومند تر و خال ناپذیر خواهد گردید.  
 رفقای عزیز! هموطنان گرامی!  
 رژیم شاه ضعیف در این صحنه بازی خواسته است کفدر را  
 سیون دانشجویان و محصلین ایرانی را آلوده جلوه دهد و از  
 عیار بپندارد. این بار اول نیست که رژیم شاه به دشمنی با  
 کفدر راسیون برمیخیزد. این نشانه صحت تاثیر مبارزات ملی و  
 امپریالیستی کفدر راسیون است. از کفدر راسیون دانشجو  
 و محصلین ایرانی در برابر شاه و سازمان امنیتش دفاع کنیم.  
 پیروزی با ما است.

برقرار و استوار باد اتحاد کیه نیروهائی که بر ضد رژیم  
 استبدادی و استعماری محمد رضاشاه و در راه ایجاد ایرانی  
 در و سر بلند و آباد مبارزه می کنند.  
 درود پر شور به کیه زندانیان سیاسی.  
 ننگ و گرفت بر خائنان و جاسوسان.  
 مرگ بر حکومت تبهکار محمد رضاشاهی.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
 ۱۵ خرداد ۱۳۴۹

بدون واژگونی نظام  
 می توان با استقرار نظام نوین دست زد. بدون سر نیزه می-  
 از عهد سر نیزه برآمده بدون کینه طبقاتی می توان مبارزه  
 ستائی را از پیش برد. روزیونیست ها بنده و اسیر واقعیت  
 موجود اند و تبعیضاتشان نتیجه دیگری جز فریب توده هاندارد.  
 لنین یارها از این "واقع بینی" ارتجاعی اپورتونیستیها  
 برداشته است. در همان دوره پایه گذاری سوسیال دمو-  
 کراسی انقلابی روسیه که ارکان اپورتونیست های روس نوشتند  
 "آن مبارزهای مطلوب است که در حیز امکان باشند و  
 راهی هم که حیز امکان است همان است که دقیقه فعلی  
 جریان دارد." لنین بر کرده او چنین شلاق زد: "این درست  
 صریقت همان اپورتونیسم بیکرانی است که بطور غیر فعال و خود  
 ر با جریان خود بخودی هم آهنگ میسازد" (چه باید کرد؟  
 صفحه ۳۰۳) زیرا که هم مبارزهای که "در دقیقه فعلی" جریان  
 در حتما تمام آن مبارزهای نیست که در "حیز امکان" می-  
 گرد. این نظریه تیره کننده کیه جریانات اپورتونیستی در  
 ست کارگری و انقلابی است. نفی کننده نقش تئوری و عمل  
 که در جنبش است. نفی کننده این واقعیت است که "افکار  
 صحیح که حاضر طبقه پیش آهنگ است همینکه در توده ها نفوذ  
 بصورت نیروی مادی در می آید که می تواند جامعه موجود جهان  
 در کرکون سازد" (مائوتسه دون). مائریالیسم دیالکتیک  
 در واقعیتی نظر دارد که در حرکت خود تأیید میشود و  
 نیست میکند نه آنکه نفی میشود و زوال می یابد. رفیق مائو-  
 تسه دون که امپریالیسم و هر نیروی ارتجاعی را بپیکر اغدی می-  
 به همین معنی است. زیرا که سیر تاریخ در جهت نفسی و  
 یوال امپریالیسم و هر نیروی ارتجاعی است. کمونیست ها وظیفه  
 دارند که سیر تاریخ را تسریع کنند نه اینکه در مسیر تاریخ  
 سدنا بایستند. این تماشاگری ارتجاعی را نباید با واقع بینی  
 انقلابی اشتباه کرد.

چندی پیش یکی از خبرنگاران درباری ایران شادمانه  
 خبر داد که وزیر خارجه سابق آمریکا (ژوزف زاون) پس از ملا-  
 قات تیرخی از سران عرب در تهران اظهار خوش بینی کرده و  
 گفته است: "خوش بینی من ناشی از آن واقع بینی است که  
 در نزد سران عرب سراغ دارم" و اشاره او بان عده از سران  
 عرب است که در برابر قدرت فاشیستی اسرائیل گرفتار سرکوب  
 شده اند و بقبول توصیه های سازشکارانه و تسلیم طلبانه آمریکا  
 و شوروی تمایل نشان میدهند. این "واقع بینی" آنها امیر-  
 بالیس آمریکا را به خوش بینی رسانده است!  
 "واقع بینی" روزیونیست های حزب توده ایران نیز  
 در همین نوع است.  
 البته باید تسلط ارتجاع و خونخواری و درندگی او را  
 بدین باید نیروی او و شیوه های عمل او را در دقتا سنجید. باید  
 ساره با او را همشمارانه جدی گرفت. ولی نباید حزم انقلابی

انه میدرباره... بیفاز صفحه ۱ امپریالیستها یا روزیونیست  
 هاداران دخالت و نظارت نداشته باشند. حکومتی که افتخار  
 با نیست که بزرگترین غارتگران جهان امپریالیستی را برای حراج  
 سپین ماتحت عنوان کنسرسیوم سرمایه گذاری در تهران گرد هم  
 می آورد حکومتی که برای سرمایه های امپریالیستی آسیا زات  
 حاضر از نوع امتیازات معمول در مستعمرات قائل شده حکومتی  
 که بارگرفتن قرضه های امپریالیستی و روزیونیستی را بر دوش  
 سل آینده ایران نیز گذاشته، با تبعیده یک یا چند مرتبه میخوا  
 هد بهمه بقبولاند که اقتصاد ملی است؟

"مرجع کمونیستی" کشف دیگری نیز برای محمد رضا  
 شاه کرده و گفته که اگر سو نفاهی در نزد ملت ایران پیدا شو  
 ر اثر نبودن آمار است! بویزه دانشجویان ایرانی در خارج  
 محنت نبودن آمار از ترقیات معجزه آسای کشور آریامهر  
 جیسرمی مانند!

گویا سازمان امنیت در موقع تنظیم این "فتوا" فراموش  
 کرده است که روزنامه های کوش فرمایش هر چند گاه آمارهای بلند  
 بالائی درباره صادرات و واردات درباره جمعیت کشور در بار  
 قش ها و جنایات درباره دبیرستان ها و دانشگاهها، در باره  
 "اصلاحات ارضی" وغیره وغیره منتشر می کنند. گویا از یاد برده  
 است که هر وقت محمد رضاشاه سخن کزافی درباره فلان رشته  
 اقتصاد کشور بر زبان میراند فردا بنگاهها و روزنامه ها جد ول  
 آمار آن را میکنند. سازمان امنیت بروی خود نیاورده که طبق  
 دستور او بسیاری از سفارتخانه های ایران در خارج نشریه هلی  
 آمار برای اطلاع دانشجویان ایرانی منتشر می کنند.

پس کسی نمیتواند مدعی شود که آمار نیست. آمار هست  
 بی مخدوش است و بسود رژیم کور تا خود تراست. اما همین  
 آمار دست خورده رسی هم گواه محکومیت نظام پوسیده استبداد  
 ی و کشور است. همین آمار نشان میدهد که واردات کشور  
 ما سالها باین طرف ۶ الی ۷ برابر صادرات است. اگر سرت  
 عصب هم میبندان ما در بیغوله ها و کلیه های خشتی و گلی  
 روزگار میگذرانند شماره جنایات در شهرها در اثر فساد رژیم  
 و ترویج فرهنگ منحط راهزانه بطور وحشتناکی روافزایش است  
 میلیون ها کودک از دبستان و دبیرستان محروم اند. سالی ده  
 ها هزار جوان پشت در دانشگاه میمانند. سیل بیگاران شهرها  
 را فرامیکردند. فتوادل ها و مالکان بزرگ ارضی درازا قسمتی از  
 زمین های نامرتوب خویش سالی صدها میلیون تومان بمعنوان  
 افساط می ستانند. رژیم قرون وسطائی همچنان در روستای ایرا  
 حکمفرماست در حالی که مالکیت های پهن و فتوادل هنیوز باقی  
 است در حالی که دهها هزار هکار از بهترین اراضی دامنه  
 سدهای بزرگ را به سرمایه داران و چپاولگران خارجی تقدیم می-  
 آرند. میلیون ها دهقان ایرانی همچنان در بی زمین و بی ثوابی  
 سیر میگردند و در حشرت قطعه های زمین آه میکنند. اینها مستحق  
 آمار است که خود این رژیم منتشر کرده است. واقعیت از اینها  
 هم سیاه تر است.

اما آمار که حکومت محمد رضاشاه هرگز جرأت انتشار  
 آن را ندارد آمار تیرباران شدگان و زندانیان سیاسی، شکنجه  
 دیدگان، آمار نظاهرات ضد رژیم و آمار کشتار قبیح فارسی کردستان  
 آمار کشته شدگان خرداد ماه خونین ۱۳۴۴، آمار جنایات حمله  
 به دانشگاه در سپن ۱۳۴۴، آمار کشتگان و مجروحان حوادث اخیر  
 نهران است. این آمار در سینه تاریخ ثبت است. این آمار حاکی  
 است که خلق قهرمان ایران را چندی نیست. خلق قهرمان  
 ایران می رزمند.

رفقای عزیز! هموطنان گرامی!  
 دسیسه جدید رژیم شاه را بر ملا سازیم. هوشیار تر باشیم  
 صفوف خود را فشرده تر گردانیم. افراد سازمان هارا پیوسته در  
 عمل بیازمائیم. آنهائی را که دروغ میپراکنند و تفرقه می افکنند  
 مبارزان صدیق و به مارکسیست لنینیست های حقیقی لجن  
 می پاشند. هفته انگیزی می کنند از خود برانیم. با این شیوه که  
 برخی از سازمان هادر مطبوعات و تبلیغاتشاهی خود بیپناه  
 سازند ایدئولوژیک و سیاسی به نام بردن از این وان وانتساب  
 فعالیت سیاسی آنها دست میزنند و عملاً خواه و ناخواه عجا پا به  
 پس نشان میدهند. مبارزه بر خیزیم. مخفی کاری را بعد اگر  
 ملاحظات کنیم. پیوسته پاسداری از خلق باشیم. بدانیم که تا امیر-  
 بالیس و ارتجاع باقی است سلسله خائنان بی پایان نمیرسد.  
 بی هر چه ما با توده ها نزدیک تر و آمیخته تر باشیم کار جاسو-

عنوان مکاتبات  
 X GIOVANNA GRONDA  
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY  
 حساب بانکی  
 X GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 12470/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO / ITALY

# مرک و ننگ بر امپریالیسم آمریکا



## ● یادآوری تاریخی ●

چند قرن پیش در اروپا در دوران جامعه فئودال، طبقه جدیدی پدیدار گشت که حامل شکل جدیدی از مالکیت وسائل تولید و مناسبات تولید و براساس آن افکار و اندیشه‌های نوینی بود. این طبقه بورژوازی بود که با شعار آزادی، برابری و برادری، در پیشاپیش خلق، در پیشاپیش کارگران دهقانان پیشه و ران علیه فئودالها بجایزه برخاست. رژیم کهنه و سوسده قرون وسطائی راه دوران خود را پیوسته بود برانداخت و قدرت سیاسی خود را مستقر ساخت.

بورژوازی منافع تنگ طبقاتی و استثمارگرانه خود را در پشت شعارهایی که خواست همه خلق بود پنهان می‌داشت تا در هنگام راه از زیربوغ فئودالها آزاد میگردد برای آنکه آنها را بزرگوار نماید. آزادی در آن روزها یعنی آزادی بورژوازی برای استثمار و بهره‌برداری از حاکمان بود. برای آنکه خود را در سطح "نجبا" و فئودالها قرار دهد و از حالت "طبقه سوم" بیرون آید. با همه این احوال برجیدین سلسله نظام قرون وسطائی و آنچه که بورژوازی در پی آن بود خواست همه طبقات و قشرهای مگر جامعه و از آنجمله طبقه کارگر نخواستند بود. بورژوازی در آن زمان همین و نماینده منافع توده‌های مردم بود. از آن زمان اکنون چند قرن میگذرد. بورژوازی در پی آنست که نقش پیشرو و شرقی خود را از دست داده و به نیروی ارتجاعی مرمزکننده پیشرفت و تکامل جامعه تبدیل شده است.

طبقه کارگر که این کورکن بورژوازی همپای رشد صنعتی رشد کرد، مبارزه خود را با بورژوازی ابتدا در سطح اقتصادی و سپس در سطح سیاسی آغاز کرد و به پیش رفت. سازمانهای صنفی و سیاسی خود را تشکیل داد. شرقی‌ترین، علمی‌ترین و انقلابی‌ترین جبهه‌های بین‌المللی را بنیاد نهاد و آنرا در جریان پارتیک انقلابی تکامل بخشید. در کمون پاریس برای نخستین بار قدرت را برای مدت کوتاهی از تک بورژوازی بیرون کشید و دیکتاتوری پرولتاریا را بجای دیکتاتوری بورژوازی نشانید. شخصیت طبقاتی خود را نه تنها در مبارزه با بورژوازی بلکه در رهبری طبقات زحمتکش بسوی آینده‌ای آزاد و درحسان و فاعل از استثمار و بردگی نشان داد.

در اکتبر یا نخستین انقلاب پرولتاریائی پیروز شد دوران نوین را در تاریخ بشریت گشود. دوران انقلابات پرولتاریائی، دوران ساختمان جوامع سوسیالیستی و کمونیستی، سوسیالیسم و کمونسم آینده بشریت است، سازنده آن پرولتاریاست. پرولتاریا با آزادی خون آزادی تمام بشریت را بهمراه میآورد. هیچ طبقه دیگری قادر نیست این رسالت تاریخی پرولتاریا را انجام دهد. از اینجهت در دوران حاضر پرولتاریا است که مبین آرمانها و منافع توده‌های زحمتکش است و نه بورژوازی. حتی بورژوازی ضد امپریالیستی کشورهای زیر سلطه امپریالیسم که میتواند در این میان دوره معین علیه امپریالیسم مبارزه کند.

اینها حقایقی است که از چند قرن مبارزه طبقاتی نتیجه میشود. ما به ناسف است که نویسندگان "ایران آزاد" این حقایق تاریخی را نمی بینند یا بعد آنرا از یاد میبرند.

"جبهه‌های ایران خود را" سازمان سیاسی خلق ایران" مینامد و خود را مدافع منافع خلق ایران می نماید درست برای آنکه ماهیت طبقاتی خود را بیوشاند. همکس میدانند که خلق ایران به طبقات گوناگونی تقسیم میشود که دارای منافع مختلف و گاهی متضادند. خلق ایران امروزه طبقه کارگر را در بر میگیرد و هم قشر بورژوازی ملی ضد امپریالیستی را. این دو طبقه نسبتها در حال حاضر بلکه از دیدگاه تاریخی نیز دارای منافع متضادی میباشد. درست است که این هر دو در مبارزه با امپریالیسم و فئودالیسم منافع مشترکی دارند. اما این مبارزه در نزد آنها از دو دیدگاه متضاد و بایی گیری متفاوت انجام میگردد. مبارزه پرولتاریا علیه امپریالیسم، مبارزه ای بی کبر و تاپایان انقلابی بخاطر آنست که همراه با ریشه کن کردن امپریالیسم و فئودالیسم، در راه برانداختن هرگونه استثمار هرگونه ستم طبقاتی رهسپار گردد و مبارزه بورژوازی با امپریالیسم، مبارزه ای متزلزل و ناپی گیر بخاطر آنست که استثمار خود

# جنگ توده‌ای در ظفار

ظفار از امارت نشین های دیگر خلیج فارس اند. امروز بخش‌های بزرگی از ظفار در دست ارتش توده‌ای است. پایتخت ظفار، سلاسه، از بیم حملات ارتش توده‌ای در حلقه ای از سیم‌های خاردار و در انفراد از سایر شهرها بگریزد. زمین‌هایی که از ۱۹۵۳ به منظور استخراج نفت به امپریالیست های امریکائی واگذار شده بود اینک در تصرف ارتش توده‌ای است. جبهه توده‌ای ظفار موفق شده است که در نواحی آزاد شده، بی‌سواد را که میراث قرون عده‌ده و ثمره سلطه رژیم استعماری بود یکی براندازد و آگاهی سیاسی کاررها را بدان درجه بآید که خبرنگار نبودند. عالی نامیده است. خبرنگار مذکور میگوید: "کنیه جنگجویان وحشی کودکان، مدال نلین و مائوسه دون برسینه دارند، آثار مائوسه را در راه را در باره جنگ توده‌ای مطالعه میکنند خواندن کتاب شرح را بخدمت می آموزند و احترامی بنسبیت به چین توده‌ای به این "مخد بزرگ و دوست بزرگ" دارند.

از این دورنمای مختصر میتوان دید که چه شعله امید از جنوب خلیج فارس سرگشوده است. مسائل امپریالیست ها محمد رضا شاه و ملک فیصل را در برتو این شعله پریشانی میآورد باز شناخت.

ما بمسائت آغاز ششمین سالگرد جنگ توده‌ای ظفار به خلق دلسران سرزمین درود میفرستیم. ما در راه اتحاد و پیکار جوانانه خلق های ایران و عرب بر ضد امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنیم.

فرزاد با آتش جنگ توده‌ای در ظفار!

ماد مقاله شماره ۳۰ ماهنامه "توقان" اشاره کردیم که آنچه امپریالیست ها را در خلیج فارس به نشوینداخته و تنگنای واداشته و بهره‌هایی نظیر محمد رضا شاه و ملک فیصل را بوسیله معرکه کشنده اوج نهضت نجات خشمگین در امارت نشین های خلیج فارس بویژه ظفار (بخش جنوبی مسقط عمان) است. امپریالیست ها و عمالشان کوشش داشتند که حتی از این واقعیت بمانند نیاروند و "مغفل" خدیج فارس را در مبارزه سر بر سر امپریالیست ها انگلستان خلاصه کنند. ولی بحث بر سر بحرین آنها را مجبور کرد که صریح تر باشند و خطرات خود را آشکارتر گردانند.

مدیر روزنامه اطلاعات که در توجیه و تبرئه سیاست استعماری کران در مورد بحرین صفحات فراوانی سپاه کرد خنجر کویهای سیاسی افراطی "بحرین و" تحریکات در منطقه خلیج" را یاد آور شد. محمد رضا شاه در مصاحبه با خبرنگاران رادیو تلویزیون یون فرانسه خواست نگرانی خود را بیوشاند ولی از عهده برنامهنویس خبرنگاران باوقوفه ماهیت امر از او پرسیدند: "شواهدی وجود دارد که نشان دهنده آغاز رخنه مشرب مارکسیستی و بزبان صریح تر افکار مائوسه در برخی از شیخ نشین های خلیج فارس است... آیا اغلب صرف در حال این پدیده ها نوعی نگرانی احساس نمیکند؟" و وی پاسخ گفت: "ناجائی که به کار ما مربوط میشود نه باید زیاد خوشبین باشیم و نه زیاد بدبین. اما بهر حال باید اصرار کرد که در منطقه خلیج فارس علائمی از رخنه فعالیت های مائوسه وجود دارد."

نماینده ایران در سازمان ملل متحد اشاره کرد که رویزویست های شوروی نیز مانند امپریالیست ها و محمد رضا شاه از نهضت های منطقه خلیج فارس با طر آسوده‌ای ندارند.

کهارت بیلمانیکی او چنین بود: "بانوده به تلاش چنین کمونیست برای نفوذ در منطقه از جمله درین جنبی، تصور نمیرود که شوروی از بین رفتن آرامش خلیج فارس را بسود خود دید اند."

همه این نگرانی های ملاحظه ارتجاعی، امپریالیستی و رویزویستی دلیل آنست که خلق های داوریانه باید با نادمی و امید به نهضت های منطقه خلیج بنگرند. در این منطقه که یکی از غنی ترین منابع زیرزمینی و یکی از فقیرترین خلق های روی زمین را دارد آگاهی سیاسی، جنبش ملی و ضد امپریالیستی و توسعه قهر انقلابی در برابر قهر ضد انقلابی رشد میکند و بلور میشود. ظفار را میتوان مرکز و کانون این جنبش بشمار آورد.

پنج سال از تاریخی که پارتیزان های ظفار نخستین ضربه را بر نیروهای مستعمراتی انگلستان وارد آوردند (۱۹۶۵) میگذرد و اینک ارتش انگلستان با ارتش نجات بحرین ملی، بانواحی آزاد شده و با خلقی مطش به پیروزی روبروست. اگر امپریالیسم انگلستان که بقول خودش میخواهد خلیج فارس را تا سال ۱۹۷۱ تخلیه کند در جنگ بر ضد خلق ظفار اینچنین پافشاری دارد بعلم آنست که جبهه توده ای آزادی بخش ظفار بصورت پایگاه انقلابی تمام خلیج فارس درآمده است. این جبهه هم اکنون در کارگران عده ای از مراکز نفتی امپریالیست ها صاحب نفوذ روزافزونی است و پایه های سیادت استعمار را میلرزاند.

دومین نکته جبهه توده‌ای آزادی بخش ظفار (سینا صبر ۱۹۶۸) نقش تاریخی در تحکیم پایه های سیاسی و نظامی جبهه بازی کرد و اعلام داشت که نه فقط برای رهائی ظفار بلکه برای رهائی تمام سرزمین های جنوبی و غربی خلیج فارس می جنگد. جبهه توده‌ای ظفار در اسون امیر نشین های خلیج را که بوسیله امپریالیست ها و با کمک محمد رضا شاه و ملک فیصل طرح ریزی میشود محکوم میکند. جبهه توده‌ای ظفار هوادار وحدت کسبه خلق های خلیج صرف نظر از اختلافات مذهبی و ملی و نژادی است. یکی از رهبران جبهه به مخبر روزنامه لوموند چنین اظهار داشت: "ما به مهاجرت ایرانیان به امیر نشینان خلیج فارس از دیدگاه ناسیونالیستی و شونیستی نمی نگریم. بسیاری از مهاجران ایرانی پرتلراند و یا منشا اجتماعی بسیار فقیرانه ای دارند... ما میگوئیم مبارزه انترناسیونالیستی مشترک پرتلرهای عرب و ایرانی را در امیر نشین ها بر ضد امپریالیسم، ارتجاع عربی، استبداد ایرانی و سرمایه داری نفت گسترش دهیم. بعضی از سربازان ارتش

## واقع بینی انقلابی

روزیونیست ها و اپورتونیست ها مخالفت خود را با ناکتیک انقلابی همیشه آشکار نمیکنند بلکه گاهی نیز قیافه موافق میکنند و ناکتیک انقلابی را از برخی جهات می ستایند تا دل مخاطب را بدست آورند. ولی در آخر غمخوارانه سرنگان میدهند و میگویند: "افسوس که واقعیت بیانه نیست. واقعیتی در نظر آنها بمعنای سازش با واقعیت است. خلاصه حرفشان اینست که محمد رضا شاه قشون دارد، تانک و توپ دارد، از پشتیبانی امپریالیست ها برخوردار است، سازمان امنیت بر جان و مال مردم سلطه است، و حال آنکه طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی غیر متشکر اند، پراکنده اند، دست خالی اند. در اینصورت طرح ناکتیک انقلابی و تدارک جنگ پارتیزانی موافق واقعیت نیست، زمینه ندارد.

یکی از رویزیونیست های حزب توده ایران اظهار تأسف میکند که نیروهای ترقیخواه و میهن پرست ایران را متقسیم سیاسی را بجای "رتالیسم انقلابی" نشانده اند و هیچیک از آنها به "تحلیل مشخص واقعیت ایران" توجه ندارند. زیرا که در نزد آنها "نور و هیجان انقلابی، روحیه پیکارچی و کین و نفرت بر رژیم ضد ملی، ضد دموکراتیک شاه" بیشتر از اندازه ای است که رویزیونیست ها تجویز میکنند. نویسنده مذکور میگوید: "در زمان عده ای از دوستان ما این تصور باطل بود که وجود آمده است که... یک تحلیل سیاسی که در آن ذکر از آهن، آتش، خون، انهدام، انتقام و واژگونی و غیره نباشد، تحلیل انقلابی نیست" (مجله دنیا شماره ۴ سال ۴۶) آشکار است که این کلمات باعث رنجش خاطر لطیف نویسنده شد و اصولا تکرار این مفاهیم را در روز "رتالیسم انقلابی" مشخص داده است. درست است که در تاریخ حکومت پهلوی هیچ حادثه مهمی نیست که با آهن، آتش، خون، انهدام، انتقام و واژگونی توأم نباشد. تا اینجا رویزیونیست ها هم میتوانند با شما موافقت کنند. ولی اگر نیروهای ترقیخواه و میهن پرست نیز در نتیجه گیری های خود و در تنظیم ناکتیک مبارزه خود به آهن، آتش، خون، انهدام، انتقام و واژگونی تکیه کنند این دیگر از "رتالیسم" رویزیونیستی بدو راست زیرا که در سازش با واقعیت نیست بلکه در جهت تغییر انقلابی آن است. رویزیونیست ها در واقع به تبلیغ این نظریه مشغول اند که پس از انهدام کهنه میتوان به بنای نو پرداخت. بقیه در صفحه ۳

## پیروزی باد مبارزه دلیرانه خلق های هند و چین



# ● نظری به ارقام و آمار ●

محمد رضا شاه از اینکه اصلاحات نواستعماری و تبلیغات لگام گسیختگی نتوانسته است توده‌های مردم را بغیرید دچار نگرانی است و در تلاش شعبده‌های است که شاید چشم خلاق را بر روی حقایق فرو بندد .  
 اخیراً برخی از مخلوقان ویرانگیتگان سازمان امنیت مدعی شدند که علت خشم و اعتراض مردم را باید در نبودن ارقام و آمار جستجو کرد .

برنامه "توفان" پیوسته در صفحات خود با ستند واقعات و با استفاده از ارقام و آمار موجود نشان داده است که کشور ما کشوری است نسیه مستعمره و نیمه فئودال . ثابت کرده است که هیچگاه میهن ما تا این اندازه در چنگال انحصارهای امپریالیستی اسیر نبوده است .

اینکه برای آنکه خوانندگان گرامی توفان با دید روشن تری به واقعات ایران بنگرند زیلاً به انتشار برخی از ارقام و آمارهای مربوط به اقتصاد مالی و صنعتی ایران دست میزنیم . البته ارقام و آمارهای موجود بر مراتب بیش از اینست . ولی صفحات توفان پیش از این گنجایش ندارد و همین اندازه برای بیان مقصود ما کافی است .

برنامه آینده ارقام و آمار در باره اقتصاد کشاورزی ایران منتشر خواهیم کرد .  
 در یادگراست که انتشار این ارقام و آمار که افشا کننده رژیم محمد رضا شاه است سازمان امنیت را به تشدید سانسور مطبوعات و جلوگیری بیشتر از درج اخبار اقتصادی و احادی داشت . ولی آنچه توده‌های خلق را به باره حق میدهد آمار و ارقام نیست بلکه واقعیت اجتماعی ایران است .

## گوشه‌ای از غارت نفت

خیانت رژیم کودتا در مسئله نفت منحصر به نقض قانون ملی شدن صنعت نفت و واگذاری منابع عظیم نفت به کسرسیوم بین‌المللی نیست . رژیم کودتا در سال‌های بعد با استفاده از اختناتی که در میهن ما برقرار ساخته قسمت‌های دیگر از ذخائر گرانبهای نفت ایران را طبق قراردادهای راهزنانه در اختیار امپریالیست‌های مختلف گذاشته است . اینک برخی از این قراردادهای:

- قرارداد با کمپانی پان امریکن ( ایپاک )
- قرارداد با کمپانی ایتالیائی انسی
- قرارداد با سرمایه داران هندی و ایتالیائی و فیلیپس امریکائی که با شرکت ملی نفت با اصطلاح شریک شده "شرکت نفت بین‌المللی - ریائی ایران" را بوجود آورده‌اند .
- قرارداد با کمپانی اراپ فرانسیسی
- قرارداد با گروه کشتیانتال
- قرارداد با "گروه نفتی اروپائی"
- و غیره . . .

( اصداعات ۱۳ مرداد ۱۳۴۸ - تهران اکونومیست ۲۱ خرداد ۱۳۴۵ )

محمد رضا شاه میگوید: "هدف ما بدست آوردن قیمت بیشتر از نفت ایران نیست . . . مسئله برای ما عبارت از این نیست که امتیازات بیشتری بدست آوریم بلکه فقط میخواهیم . . . نفت بیشتری بفروشیم"

( اصداعات ۷ خرداد ۱۳۴۹ )

تهران اکونومیست ( ۲۲ آذر ۱۳۴۸ ) مینویسد که قیمت فرآورده‌های صنعتی آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ تا حدود ۱۱/۷ درصد بالا رفته ولی قیمت نفت خام در این مدت ثابت مانده است . استفاده دولت‌های امپریالیستی در سال ۱۹۶۷ در حدود ۷ برابر کشورهای صاحب نفت بوده است .

اولک معتقد است که قیمت کالاهای امپریالیستی روز بروز رو به ترقی میرود و قیمت نفت خام تنزل می‌یابد و یا ثابت میماند و این امر باعث میشود که قدرت کشورهای صاحب نفت روز بروز کاهش یابد و هرچه از اضافه درآمد و اضافه تولید بدست میآورند بصورت اضافه بهای کالاهای ممالک امپریالیستی بآنها برگردانند . در نتیجه کشورهای صاحب نفت با آنکه ظاهراً اضافه درآمد بدست میآورند در واقع مقدرات خرید بیشتری ندارند . ایران در چند سال اخیر "در حقیقت آنچه را که از اضافه درآمد نفت بدست آورده از دست دیگر بهمین کشورها ( کشورهای امپریالیستی ) پرداخت نموده‌است"

( اصداعات ۱۹ مرداد ۱۳۴۸ )

شاه در آمریکا خطاب به امپریالیست‌های امریکائی گفت: "هرستی که از فروش هر بشکه نفت در آمریکا بدست می‌آوریم در خود آمریکا خرج خواهیم کرد و اجناس امریکائی خواهیم خرید . . . هر چقدری که ما از صدور نفت با امریکائی بدست می‌آوریم در خود آمریکا مصرف خرید اجناس امریکائی می‌رسانیم"

( اصداعات ۶ آبان ۱۳۴۸ )



## وام‌های کهرشکن

میزان وام‌هایی که رژیم محمد رضا شاه از خارجه دریافت داشته بغیر از زیاد است و نرخ بهره آنها بقدری بالاست که وام‌های جدید دریافتی دولت بزحمت برای پرداخت اقساط وام‌های قبلی کفایت میکند . مثلاً ایران در دوره برنامه سوم شش میلیارد ریال وام گرفت ولی در همان دوره مجبور بود پنج میلیارد و نیم ریال از بابت بهره وام‌های قبلی پرداخت کند . . . نرخ بهره وام‌های ایران در بسیاری موارد از ۱۲ درصد تجاوز مینماید . ( خواندنیه ۲۶ خرداد تا ۳ تیر ۱۳۴۸ )

بانک جهانی ( امریکا ) در عرض پنج سال ( ۱۳۴۴ - ۱۳۴۸ ) حدود ۱۱۳۴۸ صد میلیون سالانه چهارمیلیون دلار بایران وام داده و امیدوار است که در پنج سال آینده این رقم را به دو تا سه برابر برساند . ( اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۴۸ )

ایران در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۷۰ میلیون دلار از بانک جهانی وام گرفت . ایران برای اجرای برنامه چهارم باید مبلغ ۲ میلیارد دلار وام بگیرد . ( اطلاعات ۲۷ آبان ۱۳۴۸ )

ایران در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۱۹۵ میلیون دلار در سال ۴۹ - ۵۰ مبلغ ۲۶۰ میلیون دلار بابت وام‌های گذشته و بهره آن پرداخت کرد و خواهد کرد . ( تهران اکونومیست ۸ آذر ۱۳۴۸ )

"کشورهای اروپای شرقی در طی سال‌های اخیر از جمله بحرین اعتبار دهندگان بایران بوده‌اند . میزان اعتباراتی که شوروی و سایر کشورهای ریزینونیستی در اختیار رژیم کودتا گذاشته‌اند از یک میلیارد دلار تجاوز است . ایران "در سال گذشته بیش از نیم میلیون دلار بابت بهره وام‌ها به شوروی و در حدود ۶۰۰ هزار دلار به سایر کشورهای اروپای شرقی پرداخته است" . ( کیهان ۷ دی ۱۳۴۸ )

معائن نخست وزیر در مورد بودجه سال ۱۳۴۹ گفت: "اگر در مورد وام‌های خارجی مشاهده میشود که بودجه سال آینده وام‌های مذکور جهشی دارد نشانه آنست که اعتبار ایران در خارج بالا رفته است"

## بدست ایرانی!

لوله نفتی اهواز - اسکندرون بوسیله کمپانی انترپروز فرانسه و بکتل امریکائی ساخته میشود .

( اطلاعات ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ )  
 پالایشگاه نفت شیراز را شرکت اسناب پروگنی ایتالیا در مقادیر ۲۸ میلیارد لیر بحساب شرکت ملی نفت میسازد .  
 ( اطلاعات ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ )  
 شاه لوله نفت سراسری بوشهر - قفقاز را قرار است شرکت امریکائی آجک بسازد .  
 ( کیهان ۱۸ فروردین ۱۳۴۹ )  
 پیمان با هلیکوپتر در داخل خاک ایران در دست یک شرکت هندی است .

( تهران اکونومیست ۲ اسفند ۱۳۴۸ )  
 تسیسات برق منجیل را کسرسیومی مرکب از کمپانیهای بریتانیسی می‌سازند .

( تهران اکونومیست ۲ اسفند ۱۳۴۸ )  
 کارگاه یک شرکت خارجی در ایران که جمع سرمایه‌اش یکصد میلیون ریال بوده . . . راندمان سالیانه‌اش بیش از یکصد میلیون ریال ( حدود دویست میلیون تومان ) بوده است و این رقم سه برابر بحال افزایش است .  
 ( خواندنیه ۴ تا ۷ مرداد ۱۳۴۸ )  
 استخراج گوگرد سواحل خلیج فارس در دست شرکت امریکائی سنکو است .

( تهران اکونومیست ۲۶ مهر ۱۳۴۸ )  
 بجهت گاز سراسری ایران برای مملکت ما ۶۰۰ میلیون دلار هزینه بر میدارد و از بابت این مبلغ که از کسرسیوم بانک جهانی وام گرفته شده باید سالیانه تا بیست سال ۴۸ میلیون دلار بابت بهره و ۳۰ میلیون دلار بابت اصل پرداخت شود .  
 ( تهران اکونومیست ۲۶ مهر ۱۳۴۸ )  
 کمیته طرح‌هایی که دولت ایران با اعتبارات بانک جهانی ( امریکا ) اجرا میکند باید قبلاً از طرف بانک مذکور تصویب شود .

( اطلاعات ۱۷ آبان ۱۳۴۸ )  
 ساختمان سد دز ۹ کمپانی امپریالیستی شرکت داشته .

انرژی آلمانی در فروش ترانزورهای هیتاچی ژاپنی در فروش توربین‌های ژنرال الکتریک کانادائی در فروش ترانسفورماتورهای وولوو - امریکائی در فروش هدایت کننده توربین‌های ایسترن - پاور - اسی در فروش کلیدهای بزرگ فواست اطریشی در فروش - یازدهای ورودی آب به توربین‌های کمپانی سورفام - برنر - در فروش دروازه‌های خروجی آب سد ژنرال الکتریک - کانادا - در فروش ترانسفورماتورها - طرح سد را کمپانی ایتالیائی اگریکویت داده است .

( کیهان ۳ دی ۱۳۴۸ )  
 "گزارش سه‌ساله نوشته آل احمد بخش گزارشی از خوزستان" استخراج بهره‌برداری از معدن سرگردان ( معدن چشم ) به شرکت انگلیسی سلکشن تراست واگذار شده است .

( کیهان ۳ دی ۱۳۴۸ )  
 هتل کینگز بوسیله شرکت سوئیسی ساخته شده است . "در ایران است که سرمایه این هتل مجهز و زیبا عملاً از خارج کشور آورده شده است"

( تهران اکونومیست ۲۹ آذر ۱۳۴۸ )  
 شبکه تلفن و تلگراف در سراسر ایران بوسیله یک کسرسیوی بیرونی تحت نظارت کارخانه امریکائی فیدرلی هیلز صورت خواهد گرفت .

( کیهان ۲۱ بهمن ۱۳۴۸ )  
 سد کارون بوسیله شرکت دولتی ایرانی بنام سایپرو شرکت فرانسوی سامر ساخته میشود . شرکت اخیر ۷۵٪ سرمایه را میدهد - توربین‌های برق هم که در حدود ۱۵ میلیون دلار قیمت دارد از کارخانه فرانسوی آلستوم خریداری خواهد شد .

( تهران اکونومیست ۲۰ دی ۱۳۴۸ )  
 سد "رضا شاه کبیر" بر روی کارون با سرمایه فرانسوی ( ۲۷ میلیون فرانک ) ساخته میشود .  
 ( اطلاعات ۳ اسفند ۱۳۴۸ )



